

## دولت و هوش مصنوعی؛ منطق کارکردی اقتدار و مشروعیت





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۸

شماره مسلسل:

۲۱۳۰۰



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

دولت و هوش مصنوعی؛ منطق کارکردی اقتدار و مشروعیت

نوع گزارش: طرح/لایحه  راهبردی  نظارتی  پیش‌نویس قانونی

نام دفتر:

دفتر مطالعات حکمرانی (گروه بنیادین حکومتی)

تهیه و تدوین کنندگان:

فاطمه انصاری پیری (کارشناس ارشد حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی)، سیدمحمدامین علوی شهری (پژوهشگر گروه بنیادین حکومتی)، توحید اسماعیل پور (مدیر گروه بنیادین حکومتی)

مدیر مطالعه:

توحید اسماعیل پور

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

اظهار نظر کننده:

فرشته دستواره (دفتر مطالعات سیاسی)، ایمان اکبری (دفتر مطالعات حکمرانی)، محمد موسوی صالح (دفتر مطالعات مدیریت)

ناظران علمی خارج از مرکز:

مهدی فدایی مهربانی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)، محمد جلالی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

گرافیک و صفحه آرایی:

سعید احمدعلیزاده

ویراستار ادبی:

مرزگان کاظمی

واژه‌های کلیدی:

۱. دولت-ملت

۲. هوش مصنوعی

۳. اقتدار

۴. مشروعیت

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۱/۱



## فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۸
۲. پیشینه.....	۹
۳. اقتدار و هوش مصنوعی: هم‌زیستی یا چالش؟.....	۱۱
۳-۱. مفهوم اقتدار: از لویاتان تارضایت شهروندان.....	۱۱
۳-۲. هوش مصنوعی: فراتر از مرزهای انسانی.....	۱۲
۳-۳. اقتدار و هوش مصنوعی: آینده‌ای مبهم؟.....	۱۳
۴. مشروعیت در عصر هوش مصنوعی: از اراده مردم تا اقتدار الگوریتم‌ها.....	۱۵
۴-۱. مفاهیم بنیادین مشروعیت در فلسفه سیاسی.....	۱۵
۴-۲. گذار به مشروعیت فناورانه.....	۱۶
۴-۳. هوش مصنوعی و مشروعیت: فرصت‌هایی هوشمندانه و چالش‌هایی قابل تأمل.....	۱۶
۵. ایران و هوش مصنوعی: از ظرفیت تا ضرورت.....	۱۹
۵-۱. حیات حکمرانی بر مدار الگوریتم.....	۱۹
۵-۲. مشروعیت فناورانه: بازاندیشی مرزهای اقتدار و مشروعیت.....	۲۰
۵-۳. حکومت‌داری دیجیتال در ایران.....	۲۲
۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۲۳
منابع و مأخذ.....	۲۵

## فهرست جداول

جدول ۱: جدول تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۰
جدول ۲. دسته‌بندی انواع خدمات.....	۱۳
جدول ۳. انواع فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی مفهوم مشروعیت در برابر هوش مصنوعی.....	۱۹
جدول ۴. جدول جامع خط‌مشی‌گذاری هوش مصنوعی در ایران ناظر بر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه.....	۲۴



## دولت و هوش مصنوعی؛ منطق کارکردی اقتدار و مشروعیت

DOI: [10.22034/MRC.REPORT.21300](https://doi.org/10.22034/MRC.REPORT.21300)

### چکیده



مفهوم دولت - ملت، از زمان شکل‌گیری در قرن هفدهم، تحولات بنیادینی را در ساختار سیاسی، هویت ملی و روابط بین‌الملل تجربه کرده است. اکنون، ظهور و به‌کارگیری فزاینده فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، بقا و تداوم این ساختارهای پیشین را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. این گزارش به دنبال آن است که رابطه میان هوش مصنوعی و دولت و مشخصاً تعامل یا تقابل ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی با مفاهیم «اقتدار» و «مشروعیت» را واکاوی کند و از این رهگذر به ترسیم فضای برآمده از این سیر دیالکتیکی ناآشنا آید. از آنجا که هوش مصنوعی بر حکمرانی، خط‌مشی‌گذاری و مدیریت عمومی اثرگذار است، پرسش‌هایی بنیادین پیرامون عامل اقتدار و مبنای مشروعیت تصمیم‌های الگوریتمی ایجاد می‌شود که دغدغه اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

برای پاسخ به این پرسش، ابتدا با تحلیل مفهومی و نظری، بستر معنایی اقتدار و مشروعیت تبیین می‌شود. سپس ضمن توجه به تجربه دولت - ملت‌ها در به‌کارگیری هوش مصنوعی، تأثیر آن بر تقویت یا تضعیف کارآمدی این دو عنصر محوری ارزیابی می‌شود تا مواجهه دولت و هوش مصنوعی در بستری متعادل تشریح گردد. این پژوهش با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد هوش مصنوعی مفاهیم و ساختارهای موجود در سپهر سیاسی و فلسفی را دستخوش تحولات قابل توجهی می‌کند. این فناوری، اقتدار و مشروعیت را به سمت الگوهای ترکیبی (انسان-ماشین) سوق داده و در حال شکل‌دهی به نوع جدیدی از «مشروعیت فناورانه» است؛ امری که بازاندیشی در مبانی نظری حکمرانی را برای انطباق با واقعیت‌های عصر دیجیتال ضروری می‌سازد.



## بیان / شرح مسئله

ظهور و پیشرفت هوش مصنوعی علاوه بر تحولات اقتصادی و اجتماعی، ساختارهای حکمرانی و اقتدار سیاسی را نیز دچار تغییر کرده است. هر چند دولت‌ها برای تحلیل داده‌ها، ارتقای خدمات عمومی و امنیت ملی از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، اما این روند می‌تواند چالش‌هایی را در زمینه اقتدار، مشروعیت و به‌طور کلی مفهوم دولت - ملت ایجاد کند.

مفهوم اقتدار به قدرت مشروع دولت برای اعمال حاکمیت اشاره دارد و مشروعیت، با پذیرش عمومی و رضایت شهروندان از تصمیم‌گیری‌های دولت پیوند خورده است. ظهور حاکمیت الگوریتمی و ورود ابزارهای تصمیم‌گیری که مستقل از نیروی انسانی عمل می‌کنند، پرسش‌هایی را پیرامون نقش و مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری و همچنین پاسخ‌گویی دولت در برابر شهروندان ایجاد کرده است. گویی با ورود هوش مصنوعی به عرصه حکمرانی نوعی از مشروعیت فناورانه در تقابل با مشروعیت در معنای سنتی قرار می‌گیرد که بازبینی پیرامون معنای این مفهوم را ناگزیر می‌سازد.

به هر روی، هوش مصنوعی، مفهوم اقتدار و مشروعیت دولت - ملت را بازتعریف می‌کند. خوانش نوین این مفاهیم در پس تحولاتی که مبتنی بر ظهور و پیشرفت هوش مصنوعی رخ می‌دهد فارغ از اینکه به تضعیف یا تقویت اقتدارگرایی دولت و مشروعیت نهادهای سیاسی بینجامد، واقعیتی غیرقابل انکار است که تبیین تعادلی حق مدارانه میان نوآوری فناورانه و اصول بنیادین حقوق اساسی را طلب می‌کند. از این رو در این گزارش، با ابتنای بر این پرسش اساسی که «مواجهه مفهوم اقتدار و مشروعیت با هوش مصنوعی چگونه خواهد بود؟» تزامم یا تعارضات احتمالی این رویارویی بررسی خواهد شد.

## نقطه نظرها / یافته‌های کلیدی

واکاوی مفاهیم اقتدار و مشروعیت در این گزارش گواهی می‌دهد که ما در آستانه یک تحول مفهومی در ذات دولت ایستاده‌ایم؛ جایی که دورکن بنیادین حکومت و حکمرانی، یعنی اقتدار و مشروعیت، در حال بازتولید معنایی خود در بستر دیجیتال هستند. از یک سو، با گذار از اقتدار کلاسیک وبری که بر انحصار قوه قهریه در قلمرو سرزمینی استوار بود، شاهد ظهور «اقتدار الگوریتمی» هستیم. در این نظم نوین، قلمرو حاکمیت از «خاک» به «داده» گسترش یافته و توانایی پردازش، پیش‌بینی و هدایت رفتار شهروندان، جایگزین ابزارهای سنتی اعمال قدرت شده است. دولتی که فاقد این اقتدار الگوریتمی باشد، عملاً بر فضای زیست شهروندان خود تسلطی ندارد و حاکمیتش به پوسته‌ای حقوقی بدون نفوذ واقعی تقلیل می‌یابد.

از سوی دیگر، همپای این تغییر در اقتدار، لنگرگاه پذیرش حکومت نیز دگرگون شده و مفهوم نوظهور «مشروعیت فناورانه» در حال جایگزینی یا تکمیل صورت‌بندی‌های سنتی مشروعیت است. این نوع از مشروعیت، دیگر نه صرفاً بر فرایندهای سیاسی ورودی (مانند صندوق رأی)، بلکه بر «کارآمدی»، «پاسخگویی هوشمند» و «عدالت محاسباتی» استوار است. شهروند عصر دیجیتال، مشروعیت دولت را در توانایی آن برای تأمین امنیت سایبری، ارائه خدمات پیش‌دستانه و تضمین بی‌طرفی الگوریتم‌ها می‌جوید. خطر راهبردی آنجاست که اگر دولت نتواند این «مشروعیت فناورانه» را از طریق توسعه زیرساخت‌های بومی تأمین کند، مرجعیت حکمرانی به صاحبان پلتفرم‌های جهانی واگذار شده و رابطه ملت و دولت از یک «قرارداد اجتماعی»، به یک «قرارداد خدماتی» متزلزل میان کاربر و شرکت‌های فناوری تنزل می‌یابد.

در چنین بستری، توسعه اکوسیستم بومی هوش مصنوعی و بازآرایی وظایف قوای سه‌گانه، یک «ضرورت وجودی» برای بقای دولت است. تفکیک قوا در این پارادایم جدید باید به گونه‌ای باشد که قوه‌ی مجریه زیرساخت «اقتدار الگوریتمی» را بنا نهد، قوه‌ی مقننه مرزهای اخلاقی آن را ترسیم کند و قوه‌ی قضائیه ضامن تحقق «مشروعیت فناورانه» از طریق عدالت الگوریتمی باشد. پیام‌نهایی این گزارش صریح است: اگر



جمهوری اسلامی ایران نتواند منطق حکمرانی خود را با این دو مفهوم همگام سازد، با خطر «تهدیه شدگی معنای دولت» مواجه خواهد شد؛ لذا هزینه برای هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری برای حفظ «دولت بودگی» و «حق حاکمیت ملی» در جهان آینده است.

### پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

در این چشم‌انداز، مهم‌ترین وظیفه خط‌مشی‌گذاران آن است که رویکردی هماهنگ، چندوجهی و مبتنی بر ساختار سه‌گانه قوا اتخاذ کنند. چرا که تنها در سایه تقسیم مسئولیت‌ها میان قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه می‌توان از تشتت تصمیم‌ها جلوگیری کرد و مسیر توسعه هوش مصنوعی را به‌گونه‌ای هدایت کرد که هم با ارزش‌های ملی همخوانی داشته باشد و هم پاسخ‌گوی نیازهای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی کشور باشد. چنین رویکردی نه فقط مبتنی بر کارآمدی فنی، بلکه بر اصول عدالت، شفافیت، پاسخ‌گویی و مشروعیت اخلاقی استوار است. قوه مجریه با حمایت از سازمان ملی هوش مصنوعی، می‌تواند بر توسعه زیرساخت‌های بومی نقش‌آفرین باشد و بر تبعیض‌های الگوریتمی نظارت کند. همچنین با ارتقای سطح سواد دیجیتال مسئولان و مردم، بستر مناسب جهت به‌کارگیری این فناوری را تسهیل بخشد. قوه مقننه می‌تواند اصول بنیادین استفاده از هوش مصنوعی را قانونگذاری و قوانین فعلی از جمله قانون جرائم رایانه‌ای و مدیریت خدمات کشوری را اصلاح کند و دولت را ملزم سازد تا دستورالعمل‌های اجرایی پیرامون این مهم را تهیه و تدوین کند. این قوه باید بسترهای مشارکت نهاد‌های علمی، تخصصی و عمومی را فراهم سازد تا فرایند قانونگذاری با بررسی‌ها و پژوهش‌های همه‌جانبه صورت گیرد. قوه قضائیه نیز باید با آموزش قضات، تدوین آیین‌نامه‌های قضایی مرتبط با هوش مصنوعی و نظارت بر عملکرد ابزارهای فناورانه در فرایند دادرسی، مسیر عدالت دیجیتال را هموار کند. رسیدگی به دعاوی مربوط به نقض حریم خصوصی، تبعیض الگوریتمی و سوگیری‌های سیستمی نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

## ۱. مقدمه

ظهور هوش مصنوعی در جهان معاصر، کاربست مفاهیم سنتی از پیش موجود را با پرسش‌هایی روبه‌رو کرده است. با وجود آنکه ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی به‌طور فزاینده‌ای بر سازوکارهای تصمیم‌گیری، ساختار حکمرانی و عملکرد نظام‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند، درک تلاقی این فناوری با شالوده اصلی نظام سیاسی و عناصر سازنده آن مقدم بر تأمل پیرامون آثار آن قرار می‌گیرد.

با انعقاد معاهده وستفالیای در سال ۱۶۴۸، مفهوم دولت-ملت به‌عنوان چارچوب سازماندهی سیاسی و سازوکار تعریف رابطه انسان با قدرت به میان آمد. این مفهوم که امروزه به‌عنوان دولت شناخته می‌شود شکل خاصی از مفهوم سیاسی دولت (یک موجودیت سیاسی یا یک سرزمین) است که بر یک ملت (یک موجودیت فرهنگی) حکومت می‌کند و مشروعیت خود را با اعمال اقدام‌های رضایت‌بخش برای شهروندان تأمین می‌کند [۱]. لویاتان برآمده از معاهده وستفالیای هر چند در ابتدا بر اقتدار عامل قدرت تأکید داشت؛ اما رفته‌رفته با تفسیر عناصر سه‌گانه خود که متشکل از مرز سرزمینی مشخص، جمعیت و حاکمیت بود، معنای تازه‌ای به مفهوم دولت-ملت بخشید.

پیوند خوی عصیانگر قوه «اقتدار» با «مشروعیت»، دولت و ملت را به دوروی سکه چارچوب‌های سیاسی و حکمرانی تبدیل کرد. اقتدار که حاکمیت را به‌عنوان تصمیم‌گیر نهایی به رسمیت می‌شناخت بعد از جنگ جهانی دوم و از سال ۱۹۴۵ با ظهور بازیگران جدید در عرصه بین‌المللی و تعدیل اصول حکمرانی و منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها از معنای مطلق خود خارج و رفته‌رفته به مفهومی نسبی تقلیل یافت [۲].

در مقابل، مشروعیت مربوط به پذیرش و توجیه اقتدار توسط مردم تحت حکومت می‌شود؛ موضوعی که پدیدآور مفهوم اقتدار

مشروع و نسبی شدن آن خواهد بود. گونه‌شناسی سه‌گانه ماکس وبر از سه شکل اقتدار سنتی، اقتدار کاریزماتیک و اقتدار قانونی - عقلانی سخن می‌گوید و دولت‌های مدرن را به نوع سوم آن سوق می‌دهد [۳]. در هر حال، باید اشاره داشت که مفهوم مشروعیت برای ثبات و عملکرد سازوکاری سیاسی امری حیاتی و مهم محسوب می‌شود؛ زیرا زیربنای انطباق داوطلبانه شهروندان با قوانین و سیاست‌ها [۴] و مقبولیت عنصر اقتدار از سوی شهروندان با همین مفهوم تضمین می‌شود.

ادغام هوش مصنوعی در ساختارهای حاکمیتی فرصت‌ها و چالش‌هایی را در رابطه با اقتدار و مشروعیت ایجاد می‌کند. ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند بر بهبود عملکرد و کارایی سازوکارهای سیاسی و تصمیم‌گیری اثرگذار باشند. با این حال، این ابزارها نگرانی‌هایی را در رابطه با شفافیت، پاسخ‌گویی و البته فرسایش بالقوه نظارت انسانی ایجاد می‌کنند [۵]. تصمیم‌های اتخاذ شده توسط یا تحت تأثیر هوش مصنوعی ممکن است فاقد مشروعیتی باشد که از جانب نیروهای انسانی و فرایندهای دموکراتیک ناشی می‌شود [۶]؛ موضوعی که پرسش‌هایی پیرامون اعمال صحیح قدرت در زمینه‌هایی به میان آورد که هوش مصنوعی به آنها ورود کرده است.

برای مقابله با این چالش‌ها، توسعه چارچوب‌های حاکمیتی به گونه‌ای که ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی را در چارچوب معیارهای قانونی، اخلاقی و اجتماعی مقبول تعریف کند، ضرورت می‌یابد [۷]. این امر شامل ایجاد سازوکارهای پاسخ‌گویی شفاف، ارتقای شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری توسط یا تحت تأثیر هوش مصنوعی و مشارکت بازیگران مختلف در توسعه و نظارت بر فناوری‌های هوش مصنوعی است [۸].

اما پیش از ترسیم چارچوب‌های تنظیم‌گر که مواجهه این دو با یکدیگر را در بستری متوازن و متعادل ممکن می‌سازد، تبیین چالش‌های هوش مصنوعی با عناصر اصلی مفهوم دولت - ملت ضرورت دارد. تلاقی هوش مصنوعی با مفهوم دولت - ملت مستلزم بررسی انتقادی چگونگی ایجاد و حفظ اقتدار و مشروعیت در عصر دیجیتال است. با هم‌سو کردن حکمرانی هوش مصنوعی با اصول دموکراتیک و ارزش‌های اجتماعی، می‌توان مشروعیت اقتدار سیاسی را در یک چشم‌انداز دیجیتالی فرآیندهای حفظ کرد [۹]. از آنجاکه هوش مصنوعی بر حاکمیت و بر ساختارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد، خط‌مشی‌گذاران باید به‌طور فعال به پیامدهای این فناوری‌ها برای حفظ ارزش‌های دموکراتیک و اطمینان از مشروعیت مستمر نهادهای سیاسی بپردازند.

## ۲. پیشینه



با ظهور و پیشرفت هوش مصنوعی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش‌های تحلیلی و توصیفی از ورود این فناوری در حوزه‌های مختلف تهیه و تنظیم کرده است. دفتر مطالعات فناوری‌های نوین، مطالعات بنیادین حکومتی، مطالعات حکمرانی، مطالعات انرژی، صنعت و معدن، مطالعات سیاسی، مطالعات آموزش و فرهنگ هر یک تلاش‌هایی در راستای تبیین ارتباط هوش مصنوعی با امور مختلف داشته‌اند. طرح‌هایی که تا پیش از این مورد توجه قرار گرفته است عمدتاً به ارزیابی فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و حدود به‌کارگیری آن در کشورهای مختلف متکی بوده است. گزارش‌هایی در خصوص ظهور و پیشرفت هوش مصنوعی در کشورهای آلمان، هند، امارات متحده عربی، بریتانیا، چین، روسیه و... تدوین شده است که اگرچه در تبیین جایگاه هوش مصنوعی و مواضع کشورها نسبت به آن بسیار روشن‌گر است اما فاقد نگاهی بنیادین و مبنایی است.

از سوی دیگر، برخی گزارش‌ها مبتنی بر ورود فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی بر دستگاه‌های سیاسی و تصمیم‌گیر حاکمیتی است که رهنمودهای را در مجلس شورای اسلامی، نظامی اداری و پارلمانی کشور مطرح می‌کند. اما این گزارش‌ها نیز عمدتاً با تکیه بر استقرار دولت - ملت در سطح معنایی و مفهومی خود به آثار ورود هوش مصنوعی به آن می‌پردازند. شتاب و سرعت بی‌سابقه تحولات در عرصه



هوش مصنوعی، چالشی هستی‌شناختی در مفهوم دولت - ملت ایجاد کرده است که تحلیل‌های صرفاً توصیفی، توان پاسخ به پرسش‌ها و رفع ابهامات را ندارد.

این در حالی است که این گزارش در تلاش است تا با نگاهی بنیادین و عمقی، مواجهه هوش مصنوعی و مفهوم دولت - ملت را با نگاه حقوق اساسی و فلسفه سیاسی تبیین کند. به دیگر سخن، در این پژوهش تلاش بر آن است که هوش مصنوعی نه صرفاً یک ابزار در خدمت دولت، بلکه یک عامل تحول‌آفرین در خود معنای دولت، اقتدار و مشروعیت سیاسی به چالش بکشد. این نگاه، امکان فهمی چند لایه از مناسبات قدرت، قانون و مشروعیت را با فناوری‌های نوین فراهم می‌سازد.

به همین منظور، در این گزارش طی سه بخش به زوایای مختلف سؤالات اصلی و فرعی که پیش‌تر آمد، پرداخته خواهد شد. در وهله اول، با نگاهی تاریخی و فلسفی سیر شکل‌گیری مفهوم دولت - ملت بیان خواهد شد تا جایگاه دو عنصر اقتدار و مشروعیت در تبیین مفهومی این مهم، روشن شود. در ادامه با ترسیم چیرستی مفهوم اقتدار، مواجهه آن با هوش مصنوعی و چالش‌ها و فرصت‌های احتمالی به میان خواهد آمد؛ امری که در بخش بعد نیز با جدال عنصر مشروعیت و هوش مصنوعی ادامه خواهد یافت تا در نهایت و ضمن بخش سوم، امکان‌های ساماندهی و تنظیم این دو امر حیاتی و خطیر در جامعه جهانی و رابطه انسان با قدرت و تکنولوژی از منظر کارکردگرایی بررسی شود.

#### جدول ۱: جدول تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	سال انتشار	شماره مسلسل	نام دفتر/سازمان/نهاد	توضیحات
۱	حکمرانی هوش مصنوعی (۹): ضرورت نهاد راهبر هوش مصنوعی در کشور و پیشنهاد ساختار عملیاتی	۱۴۰۴/۰۸/۰۱	۲۱۱۰۱	مطالعات حکمرانی	تأکید بر ضرورت راهبرد ملی و بنیادین در توسعه هوش مصنوعی؛ پیشنهاد ایجاد سازمان ملی هوش مصنوعی با ساختار سه‌بخشی (پژوهش‌های سطح بالا، برنامه‌ریزی استراتژیک، تحقیق و توسعه)
۲	حکمرانی هوش مصنوعی (۷): ظرفیت‌شناسی توسعه هوش مصنوعی در کشور و ارائه توصیه‌هایی جهت هم‌افزایی ظرفیت‌ها	۱۴۰۴/۰۶/۱۶	۲۰۹۵۲	مطالعات حکمرانی	استفاده از چارچوب SOAR برای شناسایی ظرفیت‌های کشور در توسعه هوش مصنوعی؛ ارائه توصیه‌های سیاستی شامل تمرکز حوزه‌ها، هماهنگی نهادی، استقلال فناوریانه و فعال‌سازی دیپلماسی علمی
۳	حکمرانی هوش مصنوعی (۸): هوش مصنوعی توضیح‌پذیر و نقش آن در ورود فناوری به بخش عمومی	۱۴۰۴/۰۶/۲۵	۲۰۹۶۸	مطالعات حکمرانی	بررسی الزامات شفافیت، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در ورود هوش مصنوعی به بخش عمومی؛ معرفی هوش مصنوعی توضیح‌پذیر به عنوان دریچه ورود به بخش عمومی
۴	حکمرانی هوش مصنوعی (۶): کاربست هوش مصنوعی در ارتقای خدمات عمومی	۱۴۰۳/۰۳/۰۳	۲۰۷۳۹	مطالعات حکمرانی	بررسی نمونه‌های واقعی از کاربست هوش مصنوعی در خدمات عمومی؛ ارائه پیشنهادها، اجرایی و تقنینی برای ارتقای کیفیت خدمات عمومی و تصویب برنامه اقدام ملی
۵	حکمرانی هوش مصنوعی (۵): نظام تنظیم‌گری هوش مصنوعی در کشور	۱۴۰۳/۱۲/۲۵	۲۰۵۴۷	مطالعات حکمرانی	تحلیل رویکردهای تنظیم‌گری و بازتعریف نظام تنظیم‌گری هوش مصنوعی؛ پیشنهاد طراحی نظام دو سطحی (فرابخشی و بخشی) و نقش مجلس شورای اسلامی در قانونگذاری و هماهنگی نهادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۳. اقتدار و هوش مصنوعی: هم‌زیستی یا چالش؟



در فلسفه سیاسی، مفهوم بنیادین اقتدار در پیوندی عمیق با مشروعیت، قدرت و برساخت‌های اجتماعی قرار دارد. هسته سخت این مفهوم، نقطه تلاقی دو خواسته‌ای است که اساس قدرت را شکل می‌دهد؛ خواسته‌هایی که گاه در زبان حق و تکلیف معنا می‌شود و گاه از تمایلات درونی و خوی انسان به قدرت سرچشمه می‌گیرد؛ خواسته‌هایی از جنس فرمان دادن و فرمان بردن. ترسیم میل به اعمال قدرت و انتظار اطاعت در عالم حقوق سبب شد تا مفهوم اقتدار از مفاهیمی چون اجبار و زور متمایز شود و رنگ‌وبویی متوازن و حق‌مدار به خود گیرد.

باین حال، تحولات اجتماعی و تطور زیست جمعی بشر حدود و ثغور مفهوم اقتدار را همواره دستخوش تغییر قرار داده است. ظهور هوش مصنوعی در حکمرانی دولتی هم تنها یک نوآوری تکنولوژی محسوب نمی‌شود، بلکه یک تغییر پارادایمی در مفهوم و مقیاس اقتدار است؛ تغییری که فارغ از ارزیابی لزوم استفاده از هوش مصنوعی در حکومت‌داری یا کنترل ورود این ابزارها به حوزه‌های سیاسی و حکمرانی، تبیین تأثیر این دو مفهوم در یکدیگر را بر هر تصمیمی مقدم خواهد کرد. از این رو، در این بخش، ابتدا با بررسی مفهوم و جایگاه اقتدار در دولت-ملت و فلسفه سیاسی، ظهور و حضور مؤلفه‌های شکل‌دهنده آن تبیین می‌شود و در ادامه ضمن توجه به ویژگی‌های هوش مصنوعی، تلاقی و مواجهه این دو مفهوم روشن می‌شود.

#### ۳-۱. مفهوم اقتدار: از لویاتان تارضایت شهروندان

یکی از عناصر مفهوم دولت-ملت اقتدار است. مفهومی که با اولین تلاش‌های فلاسفه سیاسی و اجتماعی در راستای درک سازوکار حکومت مورد توجه قرار گرفت و تا به امروز تحولات بسیاری را تجربه کرده است. اقتدار دولت-ملت از نظر تاریخی ریشه در معاهده وستفالیای سال ۱۶۴۸ دارد که پس از آن به‌عنوان سنگ‌بنای نظم سیاسی نهادینه شده است [۱۰]. ماهیت اقتدار و حدود به‌کارگیری آن در جوامع سیاسی از قرن‌ها پیش، مسئله اصلی سیاست‌ورزان و متفکران بوده است. برخی با اعطای جوازی مسلم و مطلق، صاحبان قدرت را مالکان بلامنازع حکومت‌داری دانسته‌اند و برخی دیگر با قبول رنج اقتدار‌گرایی محض، در پی تنظیم و بازخوانی آن برآمده‌اند.

نگاه فیلسوفانی چون هابز به مفهوم اقتدار بر جنبه‌های مطلق آن استوار بود. توماس هابز وجود اقتداری متمرکز را عامل رهایی انسان از هرج‌ومرج یا آنچه او «وضعیت طبیعی» می‌خواند، می‌دانست [۱۱] و صلح و امنیت را حاصل اعطای قدرت، وضع و اجرای قوانین می‌دید. لویاتانی که هابز ترسیم می‌کرد ماهیتی مطلق و غیرقابل تقسیم داشت که هر تلاشی برای تحدید یا تغییر آن به معنای بازگشت انسان به وضع طبیعی خواهد بود.

بر خلاف هابز، جان لاک بر حکومت محدود و حمایت از آزادی‌های فردی تأکید می‌کند. او مشروعیت اقتدار را نه به شکلی مثبت که به‌گونه‌ای مشروع ترسیم می‌کند و آن را منوط به رضایت شهروندان می‌داند. او در کتاب خود از لزوم انعقاد قراردادی سخن می‌گوید که اقتدار حکومت را در عین احترام و حمایت از آزادی‌های فردی به رسمیت می‌شناسد [۱۲]. رابطه‌ای که از سوی لاک درباره اقتدار مطرح می‌شود نه رابطه‌ای یک‌سویه که از تباطی متقابل میان حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان است. او این رابطه را مبتنی بر رضایت می‌داند و ادعا می‌کند که افراد امکان تغییر دولت‌ها را نیز دارند [۱۲].

باین حال، تکامل مفهوم اقتدار مرسوم تلاش نظریه‌پردازانی است که در جست‌وجوی تصویری مقبول از لویاتانی برآمدند که خشم و سلطه زبان حکمرانی و فرمانروایی‌اش بود. متفکرانی که با تفکیک دو مفهوم اقتدار و قدرت، از لایه‌های هنجاری فرمان‌دادن در کنار هنجارهای چندلایه فرمان‌بردن سخن گفتند. یکی از مهم‌ترین آنها ماکس وبر است که با تقسیم اقتدار به سه نوع ۱. سنتی، ۲. کاریزماتیک و ۳. قانونی-عقلانی [۱۳] سلسله‌مراتبی از تطور جریان سلطه آن‌گاه که پدرسالارانه و موروثی عمل می‌کند تا وقتی که به شکلی دمکراتیک



در می‌آید، ارائه می‌دهد. به زعم وبر، اقتدار تنها توانایی وادار کردن به اطاعت نیست، بلکه به رسمیت شناختن حق انجام این کار است که در کنار حضور نیروی قدرت به تأیید افراد هم نیازمند است. هانا آرنه نیز با تأکید بر تفاوت اقتدار با اقناع و اجبار، حاکمیت اجبار را در نبود اقتدار ممکن می‌داند و استفاده از اقناع را نقطه پایان آن می‌داند [۱۴]. گویی در دیدگاه این متفکران، خوی سلطه‌جوی قدرت رفته‌رفته در مسیر تحولات اجتماعی بقای خود را در همراهی با مردمانی می‌بیند که انتظار اطاعتی بی‌چون وچرا از آنها می‌رفت. به‌طور کلی باید اشاره داشت که توسعه مفهوم دولت - ملت ماهیت اقتدار را نیز دستخوش تغییرهایی کرده است. جهانی شدن، از بین رفتن مرزهای سرزمینی، تغییر شکل سیاست‌های اقتصادی و تقویت هویت‌های فراملی همگی از جمله مواردی است که بازخوانی اندیشه‌های شکل‌دهنده دولت - ملت و در رأس آن مفهوم اقتدار را ضرورت می‌بخشد. در این بین، ظهور هوش مصنوعی و استفاده از ابزارهای مبتنی بر آن نیز می‌تواند در معنا و مفهوم اقتدار اثرگذار باشد که در بخش‌های بعد به آن اشاره خواهد شد.

## ۲-۳. هوش مصنوعی: فراتر از مرزهای انسانی

هوش مصنوعی با تعریف ابزارها و سازوکارهایی مبتنی بر علوم کامپیوتر، اقدام‌هایی که پیش از این به کمک هوش انسانی انجام می‌شد را به‌طور ماشینی و بی‌نیاز از نیروی انسانی ممکن می‌سازد. این فناوری را می‌توان به دو نوع ۱. هوش مصنوعی محدود یا ضعیف<sup>۱</sup> و ۲. هوش مصنوعی عمومی یا قوی<sup>۲</sup> تقسیم کرد. نوع اول سیستم‌هایی را دربرمی‌گیرد که برای انجام وظایف خاص همچون تشخیص چهره، ترجمه و... طراحی شده‌اند. این در حالی است که نوع دوم شامل ماشین‌هایی است که توانایی درک، یادگیری و اقدام در طیف وسیعی از وظایف و بسیار مشابه مهارت‌های شناختی انسان‌ها می‌شود [۱۵].

هرچند در تقسیم‌بندی انواع مختلف هوش مصنوعی، نوع سومی از آن نیز تصور می‌شود که با پیشی گرفتن از قدرت شناختی انسان خود به‌عنوان هوشی مستقل و نه منطبق یا وابسته به هوش مصنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرد [۱۶]؛ اما آنچه تا به امروز در محدوده و مقیاس تعریف موجود در هوش مصنوعی به کار گرفته شده است، معنای اول و دوم آن است. گویی امید انسان به در دست داشتن و کنترل هوش مصنوعی، تصور برآمدن هوشی نوین در کنار هوش انسانی را بعید بداند و تأمل پیرامون چنین پدیده‌ای را برنتابد. با این حال، هوش مصنوعی واجد ویژگی‌هایی است که درک آن نه تنها سازوکار نمونه‌های موجود آن را تبیین می‌کند که امکان‌سنجی وقوع انواع دیگر آن در آینده را هم ممکن می‌سازد. از این رو، پیش از بررسی مواجهه اقتدار با این مهم و بعد از آنکه سیر تحولات مفهوم اقتدار در فلسفه سیاسی مطرح شد، لازم است تا اجزای کلیدی و ویژگی‌های هوش مصنوعی نیز تبیین شود.

یکی از سازوکارهای هوش مصنوعی یادگیری ماشین<sup>۳</sup> است که با ترسیم مسیری متشکل از داده‌های مختلف، امکان پیش‌بینی و تصمیم‌گیری هوش مصنوعی را فراهم می‌کند. در ادامه، یادگیری عمیق<sup>۴</sup> است که قدرت بیشتری به هوش مصنوعی اعطا می‌کند. این سیستم سبب می‌شود تا هوش مصنوعی از امکانات مختلف جهت پردازش عمیق‌تر داده‌ها استفاده کند و ابتکار عمل را به دست گیرد [۱۷]. انواع دیگری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی هرچند با دریافت داده‌ها به دنبال طراحی سازوکارهایی خودکار هستند، اما شاید بتوان میان ابزارهای تصمیم‌گیر و ابزارهایی که فرایند تصمیم‌گیری را تسهیل و سرعت می‌بخشند، قائل به تفاوت شد. با این تصور، ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی که در مسیر پیشی گرفتن از هوش انسانی و اعلام استقلال از آن به تصمیم‌گیری مشغول می‌شوند، مسئله اصلی حکمرانی‌های نوین و حکومت‌های معاصر به حساب آیند. آنچه در تعریف هوش مصنوعی با دولت - ملت و مفهوم اقتدار ارتباط می‌یابد، خصیصه‌ای است که به ابزارهای ماشینی امکان اداره امور یا قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد.

1. Narrow (or Weak) AI  
2. General (or Strong) AI  
3. Machine Learning  
4. Deep Learning

### ۳-۳. اقتدار و هوش مصنوعی: آینده‌ای مبهم؟

مواجهه اقتدار و هوش مصنوعی پرسش‌های جدیدی پیرامون حدود و ثغور مفهوم اقتدار ایجاد می‌کند. لویاتان قرن هفدهمی که با ادعای سلطه کامل و قدرتی بلامنزاع سربر آورد، با تأکید متفکران به آزادی‌های فردی و تبیین نقش رضایت شهروندان، تن به عقب‌نشینی داد. سلطه مطلق در پس حق خواهی و آزادی‌طلبی قیودی را پذیرفت و ناگزیر به قدرتی مشروط و قابل تغییر و تعدیل تبدیل شد. حال که در جهان معاصر ظهور هوش مصنوعی ترندهایی پیرامون کاربست مفهوم اقتدار ایجاد کرده است، دو سطح مهم از وقایع قابل تأمل و پیگیری است. اول آنکه، آیا اساساً ابزارهای هوش مصنوعی امکان تلاقی با مفهوم اقتدار را دارند؟ به عبارت دیگر، آن ضرورتی که هوش مصنوعی را به اقتدار پیوند می‌دهند و سخن‌گفتن از دنیای کامپیوتر و سیاست را به هم مرتبط می‌سازد چیست؟ و دوم آنکه، آیا عامل اقتدار تاب پذیرش تحولی دیگر را خواهد داشت؟ پرسشی که جز با تبیین هزینه‌های انکار هوش مصنوعی در جهان معاصر و ورود آن به فلسفه سیاسی حل نخواهد شد. از این رو، در این بخش نحوه تأثیر هوش مصنوعی بر مفهوم اقتدار مورد بررسی قرار می‌گیرد و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی که ممکن است در مسیر حکومت‌کردن و فرمان‌راندن با عامل اقتدار مرتبط باشد، تبیین می‌شود.

در برخی مواقع، هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار اقتدار مورد استفاده قرار گیرد. در این وضعیت، عامل اقتدار با بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی وظایف خود را پیش می‌برد. ابزارهایی که در این راستا می‌توان به آنها اشاره کرد، بیش‌تر بر سیستم‌های نظارتی، تصمیم‌گیری، اداره امور و نظم اجتماعی تمرکز دارند. به‌عنوان نمونه، ابزارهای پلیسی پیش‌بینی‌کننده<sup>۱</sup> یکی از این موارد هستند که با تکیه بر داده‌های موجود در خصوص جرائم، برای پیشگیری از وقوع آنها به کار گرفته می‌شوند [۱۸].

به‌کارگیری ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی در امور مربوط به عامل اقتدار در نگاهی دوسویه هم می‌تواند پایه‌های حکومت‌داری را تقویت بخشد و هم ممکن است بقای آن را متزلزل کند. استفاده از هوش مصنوعی در تسهیل مدیریت اداری و کنترل نظم اجتماعی اقتدار را از مفهومی یک‌جانبه و مطلق به بستری پویا تبدیل می‌کند و می‌تواند آغازگر تحولاتی مثبت در عرصه حکومت‌داری شود. با این حال، تمایل اقتدارگرایان به استفاده از هوش مصنوعی ممکن است هوش مصنوعی را به ابزاری برای سرکوب و تهدید تبدیل کند. خدمات اجتماعی که دولت ارائه‌دهنده آن است در یک نگاه به شش دسته تقسیم می‌شود.

#### جدول ۲. دسته‌بندی انواع خدمات [۱۹]

خدمات خاص	خدمات عمومی
خدمات خاص اداری، اجتماعی و آموزشی	خدمات عمومی اداری، اجتماعی و آموزشی
خدمات خاص امنیتی و بهداشتی	خدمات عمومی امنیتی و بهداشتی
خدمات خاص زیرساختی	خدمات عمومی زیرساختی

در هر یک از حوزه‌هایی که مطرح شد، امکان به‌کارگیری ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای دولت فراهم است. بهبود عملکرد دولت در نتیجه ادغام هوش مصنوعی در خدمات عمومی می‌تواند سبب ارتقای رضایت شهروندان شود [۲۰]. امری که در حفظ پایه‌های موجودیت اقتدار یاری‌رسان است و به پاس همراهی آن با تحولات اجتماعی، به حافظ بقایش تبدیل می‌شود.

از سوی دیگر، مطابق با آنچه در ساختارهای سنتی حکومت‌داری مطرح شد، نگاه فلسفه سیاسی به مفهوم اقتدار بر تصمیم‌ها و رویکردهایی مبتنی است که از سوی افراد صورت می‌گیرد. گویی اقتدار از طریق رویه‌هایی اعمال می‌شود که ریشه در چارچوب‌های هنجاری همچون قوانین و مقررات دارند و توجیه‌بخش اقدام‌های دولت محسوب می‌شوند [۲۱]. گویی ابتدای عملکرد اقتدار بر قوانین مشخص و روشن از پیش موجود هم به اقدام‌هایی که انجام می‌شود و وجهی عقلانی می‌دهد و هم متعاقب آن امکان پاسخ‌گویی و مسئولیت‌را مهیا می‌کند. ظهور

۱. Predictive Policing Tools



هوش مصنوعی در عرصه اقتدار، نوع جدیدی از رویه‌ها را ایجاد می‌کند که فاقد توجیهات این‌چنینی است. انسان معاصر در مواجهه با هوش مصنوعی در عرصه اقتدار، خود را سردرگم میان تصمیم‌هایی می‌بیند که سازوکار اتخاذ آنها نه در متن مصرح قوانین و مقررات که در کدهایی کامپیوتری خلاصه شده است.

هنجار حقوقی به‌عنوان مؤلفه اصلی هر نظام حقوقی نقش اساسی در تنظیم روابط دولت و شهروندان ایفا می‌کند [۲۲]. این هنجار حقوقی ماحصل نظامی است که با سازوکارهای مشخص مسیر الزامی شدن هنجار و وجاهت آن را پیموده است. این در حالی است که سیستم‌های هوش مصنوعی ممکن است رویه‌های تصمیم‌گیری را با همبستگی‌های آماری جایگزین کند که فاقد توجیه‌های هنجاری است [۲۳]. برای مثال، در برخی کشورها از الگوریتم‌های پیش‌بینی جرم استفاده می‌شود که بر پایه داده‌های آماری، مناطقی را به‌عنوان پرخطر شناسایی می‌کنند؛ بدون آن که مبنای حقوقی مشخصی برای مداخله در آن مناطق وجود داشته باشد. این امر فارغ از این که پیوندهای ارتباطی شهروندان با قدرت را دچار ابهام می‌کند، پایه‌های اخلاقی و قانونی دولت و مفهوم اقتدار را نیز دگرگون می‌سازد. موضوعی که به‌خصوص با رکن دیگر مفهوم دولت - ملت که همانا مشروعیت و رضایت شهروندان است در ارتباطی تنگاتنگ قرار می‌گیرد.

در کنار رویکردهای سنتی که هوش مصنوعی را ابزاری در دست‌ان عامل اقتدار می‌دانند، یک احتمال مهم دیگر نیز وجود دارد و آن این است که هوش مصنوعی خود به‌عنوان یک عامل مستقل و نوین از قدرت عمل کند. این دیدگاه، که با نظریه‌های پست‌مدرن و پسا‌ساختارگرا سازگار است، مفاهیم کلاسیک فلسفه سیاسی را به چالش می‌کشد. در این رویکرد هوش مصنوعی یک پدیده خنثی و صرفاً فنی نیست، بلکه دارای ابعاد عمیق سیاسی است و مفاهیم سنتی قدرت را به چالش می‌کشد [۲۴]. به عبارت دیگر، قدرت در این سطح نه یک پدیده متمرکز و از بالا به پایین، بلکه یک شبکه نامتمرکز و مولد است که در سراسر جامعه جریان دارد.

از دیدگاه متفکرانی همچون میشل فوکو، قدرت صرفاً ممنوع نمی‌کند یا محدود نمی‌سازد، بلکه دانش و حقیقت را تولید می‌کند. قدرت و دانش به‌طور جدایی‌ناپذیری به هم مرتبط هستند. این نظریه می‌تواند در درک مفهوم «قدرت الگوریتمی» یاری‌رسان باشد. فوکو به تفصیل به رابطه تولیدی و جدایی‌ناپذیر قدرت و دانش می‌پردازد. هر چند او به‌طور مستقیم درباره هوش مصنوعی نمی‌نویسد، اما این آثار چارچوب نظری لازم برای تحلیل «قدرت الگوریتمی» را فراهم می‌کنند [۲۵]. این امر بدان معناست که الگوریتم‌ها تنها اطلاعات را پردازش نمی‌کنند، بلکه واقعیت اجتماعی را نیز تولید و بازتولید می‌کنند. برای مثال، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی که محتوا را به ما پیشنهاد می‌دهند، در حال «تولید دانش» و «شکل‌دهی به افکار عمومی» هستند. این فرایند، نمونه‌ای از همان ارتباط جدایی‌ناپذیر قدرت و دانش است که فوکو مطرح کرد. این قدرت، نه از طریق زور، بلکه از طریق کنترل نامحسوس بر اطلاعات و انتخاب‌ها عمل می‌کند.

در واقع، این امر نشان‌دهنده آن است که هوش مصنوعی همواره به‌مثابه یک عامل تحت کنترل و نظارت اقتدار عمل نمی‌کند، بلکه خود می‌تواند مولد طرحی نوین از این مفهوم باشد که نظریات کلاسیک فلسفه سیاسی در تبیین وجاهت منطقی و فلسفی این امر با چالش مواجه شوند. در چنین حالتی معنای سوم از هوش مصنوعی که فراتر از هوش انسانی و مهارت‌های شناختی عمل می‌کند، خود به‌عنوان عاملی مستقل معنای تازه‌ای به مفاهیم سیاسی از پیش موجود می‌بخشد. در این شرایط، نظریات پسا‌ساختارگرایانه فلسفه سیاسی و اندیشه‌هایی که تداوم مفهوم اقتدار را در صورت کلاسیک خود به چالش کشیده‌اند، بیشترین ارتباط مفهومی را با این تحول پیدا خواهند کرد.

از این‌رو، ضمن توجه به ابزارهایی که هوش مصنوعی برای بهبود کیفیت و عملکرد دولت‌ها ارائه می‌دهد باید اشاره داشت که ماهیت اقتدار نیز ممکن است دستخوش تحولاتی شود. به دیگر سخن، در مواجهه هوش مصنوعی و اقتدار، یک احتمال بر به‌کارگیری ابزارهای هوش مصنوعی جهت تسهیل اشکال مشارکت و ارائه خدمات عمومی از سوی دولت است و احتمال دیگر به چالش‌های قانونی و اخلاقی مربوط می‌شود. ظهور مدل‌های ترکیبی در اقتدار که در آن قابلیت‌های هوش مصنوعی با ملاحظات هوش انسانی برای تصمیم‌گیری ادغام می‌شود می‌تواند تصویر نوین مفهوم اقتدار در عصر هوش مصنوعی باشد.



## ۴. مشروعیت در عصر هوش مصنوعی؛ از اراده مردم تا اقتدار الگوریتم‌ها

### ۴-۱. مفاهیم بنیادین مشروعیت در فلسفه سیاسی

همان‌طور که اشاره شد، مفهوم مشروعیت در فلسفه سیاسی به‌عنوان عامل موجهه اقتدار شناخته می‌شود. نظریه پردازان و متفکران در پاسخ به این پرسش که «چه چیزی سبب مشروعیت عامل قدرت می‌شود؟»، عوامل مختلفی را برگزیده‌اند. در نگاه ژان ژاک روسو، رضایت آزادانه و آگاهانه افراد مبنای مشروعیت است. نظریه پرداز «قرارداد اجتماعی» مشروعیت را بر اراده عمومی استوار می‌بیند و اراده عمومی، که حاصل توافق آزادانه شهروندان است را به‌مثابه قانون تعریف می‌کند. در این دیدگاه، حاکمیت از آن مردم است و هرگونه اعمال قدرت باید در راستای خیر عمومی باشد و از همین اراده عمومی نشئت گیرد [۲۶].

باین‌حال، باید توجه داشت که شناسایی توافق یا عدم توافق مردم با حاکمیت، ماحصل عصری است که دو گانه حکومت‌کننده و حکومت‌شونده تا حدی در هم ادغام شده‌اند. در دیدگاه‌های سنتی تر فلسفه سیاسی، تحقق ارزش‌های اجتماعی و دستیابی به آرمان‌های اصلی مشروعیت حکومت‌ها را تأیید و تضمین می‌کرد. نگاه افلاطون در «جمهور» مؤید همین امر است؛ او معتقد است که یک دولت عادل و مشروع، دولتی است که در آن هر بخش از جامعه (حاکمان فیلسوف، نگهبانان و تولیدکنندگان) وظیفه خود را به درستی انجام دهد. عدالت در سطح فردی و اجتماعی، هدف اصلی اوست و دولت مشروع، دولتی است که توسط خردمندان اداره شود تا عدالت را برای همه اعضای جامعه محقق سازد [۲۷]. در این نگاه، حکومت‌کننده و حکومت‌شونده نه‌مقابل هم که در کنار یکدیگر جهت آرمانی بزرگتر پیش می‌روند تا عدالت برای همگان فراهم شود. ردپای دیدگاه مشروعیت مبتنی بر عدالت را بعدها می‌توان در اندیشه جان رالز هم دید. باین‌حال، او برخلاف فلاسفه پیش از خود که عمدتاً بر «غایت» یا «هدف» عدالت تمرکز داشتند و فضیلت یا سعادت را رکن اصلی مشروعیت می‌دیدند، بر رویه‌ها و اصول زیربنایی توجه کرد که خود به نتایج عادلانه می‌انجامند. از نظر رالز، جامعه‌ای که ساختار اساسی آن (یعنی نهادهای اصلی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) براساس دو اصل عدالت بنا شده باشد، یک جامعه عادلانه و در نتیجه مشروع است. او دو اصل آزادی‌های برابر<sup>۱</sup> و تفاوت و برابری منصفانه فرصت‌ها<sup>۲</sup> را به‌عنوان اصول عدالت مطرح می‌کند [۲۸]. در چنین حالتی، مشروعیت حکومت نه از یک منبع خارجی بلکه از منصفانه بودن رویه‌هایی نشئت می‌گیرد که به تشکیل و اداره جامعه منجر می‌شوند. گویی مشروعیت نه به‌عنوان عاملی که بر اقتدار عارض می‌شود که خود جزئی از اقتدار باشد در بطن حکمرانی نمایان می‌شود.

در برخی دیدگاه‌های فلسفی و سیاسی، مفهوم مشروعیت رنگ‌وبویی الهی به خود گرفته است. اندیشه‌های توماس آکویناس و نظریه‌پردازان مسیحی و مسلمان، در تبیین مفهوم مشروعیت قائل به آن هستند که اقتدار حاکم ناشی از اراده الهی است و ازسوی او تفویض می‌شود. در مقابل، فلاسفه دیگری در علوم سیاسی مشروعیت را نه به‌مثابه تفویض قدرتی ازسوی دیگری که به منزله عنصری از اقتدار می‌بینند. از دیدگاه این گروه از اندیشمندان که «کارآمدی» را مبنای مشروعیت در نظر می‌گیرند، توانایی حکومت در حفظ نظم، امنیت و رفاه عمومی به‌عنوان عامل مشروعیت‌بخش شناخته می‌شود [۲۹]. در چنین حالتی بقای حاکمان با توجه به نیازهای روز افراد جامعه تضمین خواهد شد. بررسی مفهومی عنصر مشروعیت نشان داد، تداوم اقتدار حکومت‌کنندگان در رضایت و توافق حکومت‌شوندگان با آنان گره خورده است. از این‌رو، تأمل پیرامون ابزارهای نوین و تحولاتی که روابط انسانی را دستخوش تحول می‌کند، از ضروریات فهم جایگاه دولت-ملت‌ها در عصر معاصر است. به همین جهت لازم است تا پس از تبیین مفهوم مشروعیت در فلسفه سیاسی، تحولات آن در عصری که هوش مصنوعی خدمات عمومی را تحت تأثیر قرار داده است مطرح شود.

1. Equal Liberty Principle  
2. Difference Principle and Fair Equality of Opportunity



## ۲-۴. گذار به مشروعیت فناورانه

همان‌طور که گفته شد، نظریه‌های سنتی مشروعیت اغلب بر مفاهیمی مانند رضایت، توافق، نمایندگی و حاکمیت قانون استوار است. در واقع، چالش اولیه این مفهوم بازخوانی مفهوم اقتدار و در نظر گرفتن جایگاه مردم و شهروندان بود. پر واضح است که در این بستر، اگرچه عوامل انسانی دخیل در وضعیت‌های لزوماً برابری قرار ندارند، اما همگی انسان هستند. به دیگر سخن، چالش عوامل غیرانسانی در مفهوم مشروعیت و اقتدار، ماحصل ظهور ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی است؛ ابزارهایی که در عین حال که می‌توانند تحقق مشروعیت را تسهیل بخشند، زمینه‌ساز بروز چالش‌هایی نیز محسوب می‌شوند.

در بخش پیش، از عنصر رضایت در تعاریف موجود از مشروعیت سخن رفت. حال پرسش آن است که آیا اساساً می‌توان مفهوم رضایت را به تصمیم‌های مبتنی بر الگوریتم تعمیم داد؟ یا به دیگر سخن، چگونه می‌توان اطمینان حاصل کرد که شهروندان با نحوه عملکرد و پیامدهای سیستم‌های هوش مصنوعی موافق هستند [۳۰]؟ این پرسش به خصوص در مورد الگوریتم‌های جعبه سیاه که سازوکار تصمیم‌گیری آنها برای کاربران و حتی توسعه‌دهندگان مبهم است، اهمیت می‌یابد. در چنین شرایطی، رضایت آگاهانه که سنگ بنای مشروعیت لیبرال است، به یک چالش جدی تبدیل می‌شود. این مسئله با فقدان شفافیت در الگوریتم‌ها تشدید می‌شود، زیرا شهروندان نمی‌توانند فرایندهای پیچیده‌ای را که بر زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد، درک یا بازبینی کنند.

از سوی دیگر، تعاریف عدالت محور مشروعیت نیز خود را با چالش سوگیری ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی مواجه می‌بینند. در واقع شاید بتوان چالش عدالت‌گرایان در مفهوم مشروعیت را در این پرسش خلاصه کرد که چگونه می‌توان از عدالت و بی‌طرفی در طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های هوش مصنوعی اطمینان حاصل کرد؟ سیستم‌های هوش مصنوعی بر اساس داده‌های تاریخی آموزش می‌بینند و اگر این داده‌ها حاوی سوگیری‌های اجتماعی یا نابرابری‌های تاریخی باشند، الگوریتم‌ها آنها را بازتولید و حتی تقویت می‌کنند؛ این امر با اصول عدالت توزیعی و رویه‌ای در تضاد است. برای مثال، الگوریتم‌های مورد استفاده در سیستم قضایی ممکن است به‌طور ناخواسته علیه گروه‌های خاصی تبعیض قائل شوند. این نابرابری‌های پنهان، مشروعیت عدالت‌محور یک نظام را تضعیف می‌کند.

همین مقوله در سایر اندیشه‌های مبتنی بر مشروعیت نیز قابل تصور است. مفهوم حکمرانی، حاکمیت قانون، دموکراسی، نیروی انسانی و... همگی در گرو آن است تا هوش مصنوعی و مشروعیت به دو مفهوم پیچیده و در عین حال مرتبط با هم تبدیل شود.

تأملاتی از این دست، ظهور مفهومی تحت عنوان «مشروعیت فناورانه» را دور از تصور نمی‌داند. این نوع مشروعیت زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان، استفاده از فناوری‌هایی چون هوش مصنوعی، کلان‌داده یا الگوریتم‌های یادگیری ماشین را در نهادهای دولتی، نه تنها کارآمد بلکه منطبق با ارزش‌های حقوقی و اخلاقی تلقی کنند. مشروعیت فناورانه، برخلاف مشروعیت سنتی که بر رضایت شهروندان از نهادها و قوانین استوار است، بر اعتماد به سازوکارهای فناورانه و شفافیت عملکرد آنها مبتنی است؛ موضوعی که در تعامل با مفهوم دولت-ملت، به‌ویژه در زمینه رضایت عمومی و حفظ اقتدار قانونی، اهمیت فزاینده‌ای یافته است.

## ۳-۴. هوش مصنوعی و مشروعیت؛ فرصت‌هایی هوشمندانه و چالش‌هایی قابل تأمل

هوش مصنوعی می‌تواند در تقویت مشروعیت نظام‌های سیاسی نقش قابل توجهی ایفا کند. افزایش کارایی و بهبود ارائه خدمات عمومی از موارد مهمی است که می‌توان به آن اشاره کرد. دولت‌ها به کمک الگوریتم‌های هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر آن می‌توانند فرایندهای تصمیم‌گیری را دقیق‌تر و سریع‌تر کنند و در نهایت رضایت عمومی را ارتقا بخشند. سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند کیفیت خدمات دولتی را بهبود بخشند و اعتماد عمومی را افزایش دهند [۳۱]. به دیگر سخن، هوش مصنوعی دولت‌ها را کارآمد می‌کند و هر چه دولت‌ها کارآمدتر باشند، باور شهروندان به مشروعیت و قابلیت‌های آن افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر، مشارکت شهروندان در فضای عمومی و فعالیت آنها در اجتماع، همواره به‌عنوان یکی از نقاط مثبت رضایت شهروندان از حاکمیت

و تحقق مشروعیت به شمار رفته است. هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر آن با تحلیل داده‌های مربوط به نظرات شهروندان می‌تواند به حاکمان در راستای درک بهتر خواسته‌های افراد یاری دهد. برخی پژوهش‌ها با رویکرد ابزارنگر نشان می‌دهد بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تعاملات دولت و شهروندان، موجب افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی حکومت‌ها می‌شود و تمایل مردم به مشارکت بیشتر را تقویت می‌کند [۳۲]. گویی حکومت‌هایی که بتوانند از این ابزارها در راستای ارتباط مؤثرتر با مردم استفاده کنند، مشروعیت خود را تحکیم خواهند کرد. موضوع دیگری که در رابطه با هوش مصنوعی به مثابه یک فرصت برای مشروعیت می‌توان دنبال کرد، مبارزه با فساد و افزایش شفافیت در دستگاه حکومت‌داری است. هوش مصنوعی می‌تواند با شناسایی الگوهای فساد و تحلیل داده‌ها موارد تخلف را مشخص کند. به کارگیری هوش مصنوعی در نظارت بر نهادهای اداری و اقتصادی میزان فساد را کاهش می‌دهد و سبب ارتقای سطح اعتماد عمومی خواهد شد [۳۳]. ارتقای سطح اعتماد عمومی به اقدام‌های دولت، پیوند حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را مستحکم می‌سازد و هم‌سویی اقتدار و مشروعیت را تضمین می‌کند.

ابتکارها و اقدام‌های مطرح شده، شاید بیش از پیش با رویه‌های رضایت‌محور تعاریف موجود از مشروعیت همخوانی داشته باشند، این امر ممکن است احراز مشروعیت به‌عنوان یک فرصت را تنها به دیدگاه‌هایی که تحقق این مفهوم را ناشی از رضایت و توافق افراد می‌داند، خلاصه کند. این در حالی است که فرصت هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر آن به رویکردهای عدالت‌محور مشروعیت نیز تسری می‌بخشد. سیستم‌های هوش مصنوعی در صورت طراحی و بهینه‌سازی صحیح، می‌توانند اجرای قوانین را دقیق‌تر و عادلانه‌تر دنبال کنند [۳۴]. هرچند این امر مستلزم تضمین بی‌طرفی ابزارهای طراحی شده و پرهیز از سوگیری‌های الگوریتمی است، اما اگر به شکلی صحیح عملی شود، اعتماد شهروندان به نظام قضایی و حکمرانی را تقویت خواهد کرد. در طراحی و پیاده‌سازی سیستم‌های هوش مصنوعی اطمینان حاصل کرد؟ سیستم‌های هوش مصنوعی بر اساس داده‌های تاریخی آموزش می‌بینند و اگر این داده‌ها حاوی سوگیری‌های اجتماعی یا نابرابری‌های تاریخی باشند، الگوریتم‌ها آنها را بازتولید و حتی تقویت می‌کنند؛ این امر با اصول عدالت توزیعی و رویه‌ای در تضاد است. برای مثال، الگوریتم‌های مورد استفاده در سیستم قضایی ممکن است به‌طور ناخواسته علیه گروه‌های خاصی تبعیض قائل شوند. این نابرابری‌های پنهان، مشروعیت عدالت‌محور یک نظام را تضعیف می‌کند.

از این رو، باید اشاره داشت که هوش مصنوعی می‌تواند فرصتی در مسیر تقویت و تضمین مشروعیت محسوب شود. خدمات کارآمدتر، تقویت شفافیت، افزایش مشارکت و مبارزه با فساد از جمله مواردی است که می‌تواند با به کارگیری این فناوری در حکومت‌داری به وقوع بپیوندد. باین حال، تحقق این اهداف مستلزم تدابیر هوشمندانه و مدیریت چالش‌هایی است که استفاده از این ابزارها می‌تواند به دنبال داشته باشد. به همین جهت، پس از بررسی فرصت‌هایی که هوش مصنوعی می‌تواند برای مشروعیت و تقویت آن به همراه داشته باشد، لازم است تا چالش‌های به کارگیری این فناوری نیز تبیین شود.

استفاده فزاینده از هوش مصنوعی در فرایندهای تصمیم‌گیری در عرصه عمومی و دولتی، به‌ویژه در حوزه‌های حساسی چون امور قضایی، امنیتی و ارائه خدمات عمومی چالش‌های متعددی برای مفهوم مشروعیت به همراه داشته است. تلاقی میان فناوری‌های پیشرفته و حکومت‌داری، نه تنها می‌تواند تهدیدی علیه مشروعیت به معنای سنتی خود باشد، بلکه ممکن است بازاندیشی و بازخوانی مفهومی آن را نه به‌مثابه اقدامی جهت بهبود روابط مردم و دولت، که بایستی برای بقای دولت - ملت تبدیل کند.

#### ● ابهام در شفافیت و مسئولیت

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در این خصوص، به نبود شفافیت و مسئولیت‌پذیری الگوریتم‌های پیچیده هوش مصنوعی مربوط می‌شود که اغلب از آن با عنوان «جعبه سیاه» یاد می‌کنند. الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، فاقد شفافیت لازم در خصوص نحوه عملکرد و روند استدلالی خود هستند. این وضعیت، امکان نظارت مؤثر و پاسخ‌گویی تصمیم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را با چالش مواجه می‌سازد. به



همین جهت، تصمیم‌هایی که به کمک ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی اتخاذ می‌شوند، خود چالشی از جنس مشروعیت به دنبال خواهند داشت. در واقع، به کارگیری این فناوری چگونگی اعتماد به حکمرانی الگوریتمی را در حالی که مبنای تصمیم‌های آن غیر قابل درک است، با تردیدهایی مواجه می‌سازد که مستلزم بازاندیشی در سازوکارهای شفافیت و پاسخ‌گویی خواهد بود.

#### ● تبیض و بی‌عدالتی الگوریتمی: باز تولید سوگیری‌ها

چالش دیگری که استفاده از هوش مصنوعی در عرصه مشروعیت به همراه خواهد داشت، تبیض و بی‌عدالتی الگوریتمی است. داده‌های آموزشی مورد استفاده در توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی ممکن است حاوی سوگیری‌هایی باشد که از سوی طراحان آن به این سیستم‌ها منتقل شده است. این سوگیری‌ها می‌تواند به تصمیم‌های تبیض‌آمیز و ناعادلانه به ویژه در حوزه‌های حساسی چون عدالت کیفری یا تخصیص منابع عمومی منجر شود [۳۵]. در چنین حالتی، ارکان اساسی مشروعیت چون بی‌طرفی و عدالت، در معرض تهدید قرار می‌گیرد و می‌تواند به بی‌اعتمادی و نارضایتی افراد منجر شود.

#### ● نقض حریم خصوصی و حقوق بشر

یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های مهم در به کارگیری هوش مصنوعی در دولت، تهدید و نقض حریم خصوصی و حقوق بشر محسوب می‌شود. استفاده از هوش مصنوعی برای جمع‌آوری، تحلیل و پردازش حجم عظیمی از داده‌های شهروندان، پرسش‌هایی اساسی در رابطه با حقوق اساسی افراد و حریم خصوصی آنها ایجاد می‌کند. مفهوم «سرمايه‌داری نظارتی» که از سوی برخی اندیشمندان مطرح شده است مربوط به زمانی است که در آن داده‌های شخصی به‌عنوان یک منبع مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد [۲۳]. احساس نظارت دائمی و فقدان کنترل بر داده‌های شخصی موضوعی است که می‌تواند اعتماد عمومی و رضایت شهروندان از حکومت را تحت تأثیر قرار دهد.

#### ● تضعیف نقش انسانی و چالش نمایندگی: ماهیت اقتدار و اراده عمومی

واگذاری و تفویض نقش تصمیم‌گیری به سیستم‌های هوش مصنوعی، به‌خصوص اگر این تصمیم‌ها به موضوع‌های مهم و حساس مربوط باشد، ممکن است سبب تضعیف نقش و مسئولیت انسانی در حکمرانی شود. در واقع پرسش اساسی در این موضوع آن است که آیا می‌توان این موضوع‌ها را به یک الگوریتم واگذار کرد؟ یکی از ارکان اساسی مشروعیت در نظام‌های دمکراتیک، مفهوم نمایندگی و تجلی اراده عمومی است. سیستم‌های هوش مصنوعی به‌عنوان موجودیت‌های غیرانسانی، فاقد اراده، آگاهی و احساسات هستند. بنابراین واگذاری تصمیم‌های مهم به این سیستم‌های تردیدهایی پیرامون نحوه نمایندگی شهروندان و انطباق این تصمیم‌ها با اراده عمومی مطرح می‌کند [۳۶]. چالش اصلی به کارگیری چنین ابزارهایی آن است که چگونه می‌توان از هم‌سویی تصمیم‌های الگوریتمی با منافع جمعی اطمینان حاصل کرد؟

#### ● چالش کنترل و حاکمیت: تصمیم‌گیری‌های خودکار در شرایط بحرانی

گسترش استفاده از هوش مصنوعی در حوزه‌های حساس مانند امنیت و دفاع، پرسش‌هایی را در خصوص حفظ کنترل انسانی بر این سیستم‌ها و تبعات احتمالی تصمیم‌گیری‌های خودکار در شرایط بحرانی مطرح می‌کند. از دست دادن کنترل بر ابزارهای قدرت و پیامدهای آن برای حاکمیت ملی و مشروعیت بین‌المللی می‌تواند به مفهوم اقتدار و مشروعیت آسیب وارد کند. این امر، ضرورت ایجاد سازوکارهایی برای نظارت و مداخله انسانی در فرایندهای تصمیم‌گیری خودکار را برجسته می‌سازد.

در مجموع باید گفت، تلاقی هوش مصنوعی و مشروعیت در کنار فرصت‌هایی که می‌تواند به همراه داشته باشد ممکن است چالش‌هایی اساسی در حفظ و تقویت آن ایجاد کند. از این‌رو لازم است تا سازوکارهایی برای مدیریت و استفاده بهینه از این ابزار تدبیر شود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

### جدول ۳. انواع فرصت‌ها و چالش‌های پیشروی مفهوم مشروعیت در برابر هوش مصنوعی

ابعاد تأثیر	فرصت‌ها برای مشروعیت	چالش‌ها و تهدیدها
کارآمدی و عملکرد	بهبود ارائه خدمات عمومی، تصمیم‌گیری سریع‌تر و دقیق‌تر، ارتقای رضایت شهروندان	وابستگی بیش از حد به فناوری، از دست دادن کنترل انسانی در شرایط بحرانی
شفافیت و اعتماد عمومی	افزایش پاسخ‌گویی و تحلیل نظرهای مردم، مبارزه با فساد، بهبود ارتباط دولت و شهروند	جعبه سیاه الگوریتم‌ها؛ نبود شفافیت در سازوکار تصمیم‌گیری، مسئولیت‌ناپذیری ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی
عدالت و بی‌طرفی	اجرای دقیق‌تر و عادلانه‌تر قوانین با الگوریتم‌های بهینه‌سازی شده	سوگیری الگوریتمی، بازتولید تبعیض در حوزه‌های حساس مانند عدالت کیفری یا تخصیص منابع
حریم خصوصی و حقوق بشر	توانایی تحلیل داده‌ها برای تصمیم‌گیری بهتر	نقض حریم خصوصی افراد، شکل‌گیری سرمایه‌داری نظارتی، کاهش اعتماد به دولت
نقش انسانی و نمایندگی	تعامل الگوریتمی با خواسته‌های مردم، بهبود درک تقاضاهای اجتماعی	تضعیف اراده انسانی، نبود حس مسئولیت در سیستم‌های غیرانسانی، چالش در انطباق تصمیم‌های با اراده عمومی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

## ۵. ایران و هوش مصنوعی؛ از ظرفیت تا ضرورت



در دو بخش پیش، با تأمل پیرامون دو مفهوم اقتدار و مشروعیت، آثار ورود هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف حکومت‌داری بررسی شد. تلاقی ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی با دو عنصر مهم مفهوم دولت - ملت، پرسش‌هایی را پیرامون این امر متبادر به ذهن کرد. در نگاه اول، چالش‌های مربوط به اقتدار در معنای سنتی آن، پس از ظهور و به کارگیری هوش مصنوعی مورد توجه قرار می‌گیرد و در گام دوم، پرسش از چیستی این چالش‌ها به حوزه مشروعیت کشیده می‌شود. نتیجه این روند، ترسیم تصویری بود که پیوند فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی را با عناصر دولت - ملت نشان می‌داد. این تصویر دوگانه از چالش‌ها و فرصت‌ها، بعد تازه‌ای از تأمل پیرامون مفهوم دولت - ملت را ایجاد می‌کند که نیازمند آن است تا چارچوب‌های قانونی و اخلاقی لازم تبیین و تنظیم شود. از این رو، چالش‌ها و فرصت‌هایی که در این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد بیشتر جنبه ساختاری و استراتژیک خواهد داشت تا بنیان مفهوم دولت - ملت و امکان‌سنجی بقای آن تبیین شود.

### ۵-۱. حیات حکمرانی بر مدار الگوریتم

مواجهه دولت‌ها با هوش مصنوعی نه تنها به معنای پذیرش فناوری‌های جدید است، بلکه دلالت بر تغییر بنیادین بر نحوه عملکرد، اهداف و حتی ماهیت وجودی آن دارد. به دیگر سخن، این مواجهه به تجربه‌ای نوین منتهی خواهد شد که درک ابعاد آن پیش از هر اقدام و واکنشی اولویت دارد؛ تجربه‌ای که نه صرفاً ابزاری برای دولت‌ها که به عنوان نیرویی دگرگون‌کننده عمل خواهد کرد که بازنگری‌های اساسی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

پیش‌تر گفته شد که هوش مصنوعی با قابلیت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد خود می‌تواند در عرصه خط‌مشی‌گذاری عمومی و تحلیل داده‌های جمعی کارآمد باشد. هوش مصنوعی در کنار نکات مثبتی که به دنبال دارد، می‌تواند دو نقش حیاتی دولت - ملت که بازدارندگی و تأمین امنیت است را با چالش مواجه کند [۳۷]. این امر خصوصاً در سطح امنیت ملی و در راستای توسعه تسلیحات خودمختار، جنگ‌های سایبری و تحلیل اطلاعات می‌تواند معضلی از نوع رقابت تسلیحاتی هوش مصنوعی ایجاد کند که دولت‌ها را در تأمین امنیت و شناسایی استراتژی‌های حفظ اصول سیاسی خود در سطح داخلی و خارجی با تهدید روبه‌رو سازد. از سوی دیگر، مدیریت پیامدهای اجتماعی و اقتصادی تغییرهای ناشی از



هوش مصنوعی دولت‌ها در برابر نابرابری و بیکاری تکنولوژیک [۳۸] موضوعی است که بر سیاست‌های اقتصادی و رفاهی دولت‌ها اثرگذار است. در کنار چالش‌های امنیتی و اقتصادی، هوش مصنوعی پرسش‌هایی در مورد حاکمیت سایبری و استقلال ملی نیز مطرح می‌کند. این چالش با توجه به شرایط خاص ژئوپلیتیک کشور ما می‌تواند ابعاد تازه‌ای به خود گیرد. توسعه و استقرار سیستم‌های هوش مصنوعی توسط بازیگران غیردولتی یا شرکت‌های فناوری چند ملیتی، می‌تواند توزیع قدرت را با اشکال جدیدی روبه‌رو سازد. این امر به‌ویژه در مواردی که زیرساخت‌های حیاتی یا خدمات عمومی به‌طور فزاینده‌ای به الگوریتم‌ها و داده‌های کنترل شده توسط بخش خصوصی وابسته می‌شود، مشهودتر است [۳۹].

از این رو، اتخاذ استراتژی‌هایی برای توسعه ظرفیت‌های بومی در زمینه هوش مصنوعی که شامل تربیت نیروی انسانی متخصص، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی و مراکز تحقیقاتی پیشرفته می‌شود، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

تنظیم مقررات برای کنترل جریان داده و الگوریتم‌ها در سطح ملی و تضمین حاکمیت داده در کشور از جمله موارد دیگری است که نه تنها بر غنای وجودی دولت - ملت می‌افزاید که تحکیم ارکان آن و ایجاد یک اکوسیستم فناورانه مستقل و پویا را در کشورهای مختلف نیز تضمین می‌کند. به‌طور کلی، رهبری هوش مصنوعی و به کنترل درآمدن حدود این فناوری موضوعی است که صاحبان قدرت را با چالشی جدید روبه‌رو می‌کند. گسترش به کارگیری فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی این امکان را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در آینده اقتصادی و امنیتی کشورها معرفی خواهد کرد و دسترسی به داده‌ها و زیرساخت‌های فناوری خود به منبع قدرت تبدیل خواهد شد [۴۰]. به همین دلیل، توسعه هوش مصنوعی و تلاش در جهت بومی‌سازی آن یکی از مهم‌ترین ضروریات دولت‌ها در آینده به شمار خواهد رفت.

ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف زندگی، ملاحظات اخلاقی و حقوقی پیچیده‌ای را به وجود آورده است. ملاحظاتی که از حریم خصوصی افراد تا حدود مسئولیت‌پذیری در قبال تصمیم‌های خودکار و مبتنی بر هوش مصنوعی را شامل می‌شود. سیستم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی که حجم عظیمی از داده‌های شخصی را پردازش می‌کنند، می‌تواند به ابزاری برای نظارت گسترده تبدیل شود و خطر تهدید و نقض حریم خصوصی را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر همان‌طور که گفته شد، در مواردی که الگوریتم‌ها به‌طور مستقل تصمیم‌گیری می‌کنند، تعیین مسئولیت و حدود آن نیز با چالش‌های جدی و مهمی روبه‌رو می‌شود که مستلزم بازنگری در چارچوب‌های حقوقی موجود و تدوین قوانینی است که بتواند پاسخ‌گوی این چالش‌ها باشد. به‌عنوان مثال، مسئولیت‌پذیری وسایل نقلیه خودران یا سیستم‌های تصمیم‌گیری قضایی مبتنی بر هوش مصنوعی، از جمله مواردی است که نیازمند تدوین مقررات شفاف و دقیق است [۴۱].

با این وجود باید اشاره داشت که هوش مصنوعی فرصت‌های بی‌بدیلی را در راستای ارتقای ظرفیت‌های دولت - ملت و بهبود حکمرانی فراهم می‌آورد. در بعد خط‌مشی‌گذاری عمومی، هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل کلان داده‌ها و ارائه پیش‌بینی‌های دقیق به دولت‌ها در اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه‌تر کمک کند. قابلیت‌هایی که در حوزه‌های مختلفی چون مدیریت بحران، برنامه‌ریزی شهری و تخصیص منابع می‌تواند به افزایش کارایی و اثربخشی خدمات عمومی منجر شود. به‌عنوان مثال، استفاده از هوش مصنوعی در بخش بهداشت و درمان می‌تواند به تشخیص زودهنگام بیماری‌ها، بهینه‌سازی ارائه خدمات پزشکی و بیماری‌های واگیر کمک کند [۴۲].

در حوزه مشارکت شهروندی، بسترهای مبتنی بر هوش مصنوعی با تسهیل ارتباط بین دولت و مردم، می‌تواند به افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی منجر شود. هوش مصنوعی امکان تحلیل بازخوردهای شهروندان و شناسایی الگوهای رفتاری را فراهم می‌کند و این امر می‌تواند درک بهتر نیازها و انتظارات عمومی نقش‌آفرین باشد. همچنین، هوش مصنوعی قابلیت آن را دارد تا در راستای مبارزه با فساد و بهبود امنیت سایبری دولت‌ها به دولت‌ها کمک کند.

## ۲-۵. مشروعیت فناورانه؛ بازاندیشی مرزهای اقتدار و مشروعیت

تلاقی هوش مصنوعی با مفهوم دولت - ملت، برگ‌نوینی از مفهوم اقتدار و مشروعیت را رقم می‌زد که اگر به‌درستی درک نشود، پایه‌های

مقبولیت حکومت را متزلزل خواهد کرد. نقش آفرینی هوش مصنوعی در عرصه‌های عمومی و ارتباطی که می‌تواند مشارکت و شفافیت دولت - ملت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد، شکل تازه‌ای از مشروعیت را متصور می‌کند که رنگ و بوی فناوری به خود می‌گیرد. این «مشروعیت فناورانه» با قبول تحولات دنیای جدید و فناوری‌های نوین، پذیرشی که از سوی حکومت‌شوندگان نائل می‌آید را نه فقط محدود به اشکال سنتی مشروعیت که با حدود ارتباط حکومت‌کنندگان با ابزارهای جدید ارزیابی می‌کند. این بدان معناست که در عین تداوم مکانیسم‌های سنتی مشروعیت که پیش‌تر از آن سخن رفت و در قالب‌هایی چون انتخابات دمکراتیک و حاکمیت قانون نمایان می‌شود، نوع جدیدی از مشروعیت مطرح خواهد شد که معنای خود را از طریق توانایی بهینه در استفاده از فناوری‌های پیشرفته، به‌ویژه هوش مصنوعی، برای ارائه خدمات بهتر، کارآمدتر و اثربخش‌تر به شهروندان به دست می‌آورد. به بیان دیگر، هوش مصنوعی در حال شکل‌دهی به گذار نظری در مفهوم مشروعیت است. وضعیتی که در آن، حقانیت دولت نه صرفاً از مجرای «قانون و انتخابات» (مشروعیت ورودی)، بلکه به میزان فزاینده‌ای از طریق «توانایی حل مسئله فناورانه و خروجی‌های سیستمی» (مشروعیت خروجی) سنجیده می‌شود. در این نوع جدید، فناوری از جایگاه «بزار دولت» خارج شده و به یکی از «ارکان مقوم دولت» تبدیل می‌شود.

این مفهوم با تقویت بنیان‌های مشروعیت دولت - ملت بقای آن را در تحولات جهان معاصر تضمین می‌کند و هم‌سویی شهروندان با دولت‌ها را تسهیل می‌بخشد. برای مثال، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند عملکرد مدیریت ترافیک شهری، تخصیص منابع بهداشتی یا فرایندهای مالیاتی را ارتقا دهند. به تبع آن شهروندان نیز ممکن است دولتی را که قادر به ارائه خدمات سریع‌تر و دقیق‌تر است، مشروع‌تر بدانند [۴۳]. هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر آن سرعت تحولات و وقایع را افزایش می‌دهند و اتکای دولت‌ها به مکانیسم‌های سنتی ارائه خدمات عمومی، کارایی و کارآمدی آنها را با تهدید روبه‌رو خواهد کرد. در مقابل، همراهی دولت‌ها با چنین ابزارهایی پایه‌های مشروعیت را تغییر خواهد داد و در جهانی که سرعت و کیفیت از مهم‌ترین معیارهای عملکرد قابل قبول به شمار می‌رود، حیات مفهوم دولت - ملت نیز تضمین خواهد شد.

از سوی دیگر، هوش مصنوعی می‌تواند تصمیم‌گیری را براساس حجم عظیمی از داده‌ها و با حذف سوگیری‌های انسانی عینی‌تر کند. امری که ممکن است به ایجاد تصویری کمک کند که تصمیم‌های دولتی نه براساس منافع سیاسی یا احساسات که براساس منطق و شواهد علمی هستند و این «عینیت» خود می‌تواند منبع مشروعیت جدیدی باشد. به‌طور کلی، توانایی دولت در ارائه راه‌حل‌های فناورانه برای این چالش‌ها، می‌تواند اعتبار و مشروعیت آن را افزایش دهد.

با این حال، تکیه صرف بر مشروعیت فناورانه و تلاش در راستای هم‌سویی مفهوم مشروعیت با فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی بیم غفلت از ارکانی را ایجاد می‌کند که تنها در انواع سنتی مشروعیت قابل تصور و تحقق است. دشواری درک عملکرد هوش مصنوعی و سازوکار تصمیم‌گیری آن ممکن است به نبود شفافیت منجر شود و این امر می‌تواند اعتماد عمومی را تضعیف کند. علاوه بر این، سوگیری‌های الگوریتمی نیز از دیگر مخاطراتی است که با تکیه صرف به مشروعیت فناورانه می‌تواند رضایت شهروندان و همراهی آنها را با حکومت‌کنندگان تحت تأثیر قرار دهد. هنگامی که تصمیم‌های توسط سیستم‌های هوش مصنوعی اتخاذ می‌شوند، تعیین مسئولیت و پاسخ‌گویی در قبال خطاها یا نتایج ناخواسته دشوار می‌شود. بدین‌سان، تکیه بیش از حد بر مشروعیت فناورانه ممکن است به این معنی باشد که تصمیم‌های مهم نه از طریق بحث عمومی و فرایندهای دمکراتیک، بلکه از طریق مدل‌های الگوریتمی اتخاذ شوند. این امر می‌تواند به تضعیف نقش شهروندان در حکمرانی و فرسایش بنیان‌های دمکراتیک منجر شود.

در واقع، «مشروعیت فناورانه» به‌معنای پذیرش اجتماعی و قانونی فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی در فرایندهای حکومت‌داری است. این مشروعیت زمانی حاصل می‌شود که فناوری نه تنها کارآمد باشد، بلکه با ارزش‌های فرهنگی، حقوقی و اخلاقی جامعه هم‌راستا باشد. مشروعیت فناورانه مستلزم آن است که هوش مصنوعی در خدمت عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی و تقویت اعتماد عمومی قرار گیرد. برای تحقق این مشروعیت، باید سازوکارهایی برای مشارکت عمومی، ارزیابی اخلاقی و نظارت بین‌نهادی طراحی شود. همچنین، آموزش



عمومی و شفاف‌سازی عملکرد الگوریتم‌ها نقش مهمی در افزایش پذیرش اجتماعی دارند.

برای این که دولت - ملت‌ها بتوانند به‌طور مؤثر از هوش مصنوعی بهره‌برند و در عین حال مشروعیت خود را حفظ کنند، لازم است تا تعادل و توازن میان آشکال سنتی و مدرن مشروعیت حاصل آید. این تعادل در عین تداوم مفاهیم سنتی مشروعیت، از فناوری‌های نوین جهت بهبود عملکرد و ارتقای شفافیت استفاده می‌کند و مشارکت شهروندان و رضایت آنها را با بهره‌گیری از ابزارهای تسهیل‌کننده افزایش می‌دهد. در این راستا، دولت‌ها باید توسعه و استفاده از هوش مصنوعی را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که ارزش‌های انسانی، حقوق اساسی و اصول دمکراتیک را در اولویت قرار دهد و با ایجاد نوعی حکمرانی هوش مصنوعی انسان‌محور نظارت انسانی بر تصمیم‌های هوش مصنوعی را تضمین کنند [۴۴]. نظارت انسانی بر هوش مصنوعی، نگرانی‌ها پیرامون سوگیری و تصمیم‌گیری تبعیض‌آفرین هوش مصنوعی را کاهش می‌دهد و مسئولیت و پاسخ‌گویی را به‌عنوان دو اهرم مهم در تحقق کامل مفهوم مشروعیت تضمین می‌کند.

### ۳-۵. حکومت‌داری دیجیتال در ایران

با ظهور هوش مصنوعی، مفهوم چندوجهی دولت - ملت از ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار می‌گیرد. هوش مصنوعی می‌تواند مولد نوع جدیدی از حاکمیت باشد که در آن به‌جای کنترل مرزهای جغرافیایی و جمعیت، توانایی یک دولت در کنترل و مدیریت داده‌های تولید شده در قلمرو خود و داده‌هایی که از طریق شبکه‌های بین‌المللی جریان دارند، سنجیده شود. این نوع حاکمیت که گویی حاکمیت اطلاعاتی است شامل توانایی صیانت از داده‌های شهروندان، تنظیم جریان فرامرزی داده‌ها و توسعه زیرساخت‌های ملی هوش مصنوعی می‌شود [۴۵] و شکل نوینی از حکومت‌داری صاحبان قدرت را ایجاد می‌کند.

به‌طور کلی، مواجهه دولت - ملت با هوش مصنوعی، یک فرایند پیچیده و چندوجهی است که نیازمند آن است تا رویکردی جامع و استراتژیک اتخاذ شود. در بخش پایانی گزارش، مجموعه‌ای از پیشنهادها کلیدی برای خط‌مشی‌گذاران در ایران ارائه می‌شود تا هم‌زمان با بهره‌برداری از ظرفیت‌های هوش مصنوعی، چالش‌های مرتبط با دولت - ملت نیز حل شود. این موارد ضمن توجه به ساختار قانونی، اجتماعی و فرهنگی کشورمان تدوین شده است و بر توسعه بومی این فناوری، افزایش شفافیت و حفظ ارزش‌های ملی و تعامل سازنده تمرکز دارد. در این راستا لازم است تا خط‌مشی‌گذاران به‌طور فعالانه به تدوین سیاست‌های جامع هوش مصنوعی بپردازند تا هم پاسخ‌گوی چالش‌ها باشد و هم قابلیت آن را داشته باشد که جامعه را از فرصت‌های این فناوری بهره‌مند سازد. شاید بهترین راه برای مدیریت این فناوری نوظهور، تدوین سیاست‌هایی است که ناظر بر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه عمل کند. چرا که هر یک از این قوا باید نقشی هماهنگ و مکمل ایفا کنند تا توسعه هوش مصنوعی در ایران، هم‌راستا با ارزش‌های بومی، اصول اخلاقی و امنیت ملی تحقق یابد. از این رو، این تقسیم‌بندی می‌تواند از تشتت تصمیم‌ها و آرا جلوگیری کند و حکمرانی الگوریتمی با عدالت، شفافیت و مشروعیت همراه باشد.

در همین راستا، می‌توان به «سند ملی توسعه هوش مصنوعی» نیز اشاره کرد که با هدف سامان‌دهی بهره‌گیری از ظرفیت‌های فناورانه در عرصه حکمرانی تدوین شده است. این سند در تلاش است تا مسیر استفاده از هوش مصنوعی را در چارچوبی مشروع و قابل نظارت تعریف کند. با این حال، تحقق این امر، مستلزم آن است که در عمل سازوکارهای تصمیم‌گیری الگوریتمی، نه تنها شفاف و پاسخ‌گو باشند، بلکه با هنجارهای حقوقی موجود نیز هم‌راستا شوند؛ امری که در صورت غفلت، می‌تواند اعتماد عمومی و رضایت شهروندان را با چالش مواجه سازد. تشویق و حمایت از توسعه بومی هوش مصنوعی در جهانی که کنترل و حمایت از داده‌های افراد و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در حکومت‌داری نقشی مهم ایفا می‌کند، یک ضرورت استراتژیک است. در همین راستا، حمایت قاطع از راه‌اندازی و توسعه پلتفرم ملی هوش مصنوعی ایران که هم‌اکنون در مرحله نمونه اولیه قرار دارد، باید در اولویت قرار گیرد. علاوه بر این، ایجاد انگیزه برای توسعه مدل‌های هوش مصنوعی به زبان فارسی و مجموعه داده‌های هم‌سو با این امر، برای حفظ و تقویت هویت ملی در عصر دیجیتال، حیاتی است. همچنین، گسترش

آموزش هوش مصنوعی و افزایش بودجه تحقیق و توسعه، به ویژه در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، از اهمیت بالایی برخوردار است. حمایت از کسب و کارهای نوین حقوقی و هوش مصنوعی و ایجاد محیط‌های نظارتی تسهیل‌گر، به تسریع نوآوری و تجاری‌سازی کمک خواهد کرد.

## ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

واکاوی مفاهیم اقتدار و مشروعیت در این گزارش گواهی می‌دهد که ما در آستانه یک تحول مفهومی در ذات دولت ایستاده‌ایم؛ جایی که دورکن بنیادین حکومت و حکمرانی، یعنی اقتدار و مشروعیت، در حال بازتولید معنایی خود در بستر دیجیتال هستند. از یک سو، با گذار از اقتدار کلاسیک و بری که بر انحصار قوه قهریه در قلمرو سرزمینی استوار بود، شاهد ظهور «اقتدار الگوریتمی» هستیم. در این نظم نوین، قلمرو حاکمیت از «خاک» به «داده» گسترش یافته و توانایی پردازش، پیش‌بینی و هدایت رفتار شهروندان، جایگزین ابزارهای سنتی اعمال قدرت شده است. دولتی که فاقد این اقتدار الگوریتمی باشد، عملاً بر فضای زیست شهروندان خود تسلطی ندارد و حاکمیتش به پوسته‌ای حقوقی بدون نفوذ واقعی تقلیل می‌یابد.

از سوی دیگر، همپای این تغییر در اقتدار، لنگرگاه پذیرش حکومت نیز دگرگون شده و مفهوم نوظهور «مشروعیت فناورانه» در حال جایگزینی یا تکمیل صورت‌بندی‌های سنتی مشروعیت است. این نوع از مشروعیت، دیگر نه صرفاً بر فرایندهای سیاسی ورودی (مانند صندوق رأی)، بلکه بر «کارآمدی»، «پاسخگویی هوشمند» و «عدالت محاسباتی» استوار است. شهروند عصر دیجیتال، مشروعیت دولت را در توانایی آن برای تأمین امنیت سایبری، ارائه خدمات پیش‌دستانه و تضمین بی‌طرفی الگوریتم‌ها می‌جوید. خطر راهبردی آنجاست که اگر دولت نتواند این «مشروعیت فناورانه» را از طریق توسعه زیرساخت‌های بومی تأمین کند، مرجعیت حکمرانی به صاحبان پلتفرم‌های جهانی واگذار شده و رابطه ملت و دولت از یک «قرارداد اجتماعی»، به یک «قرارداد خدماتی» متزلزل میان کاربر و شرکت‌های فناوری تنزل می‌یابد. در چنین بستری، توسعه اکوسیستم بومی هوش مصنوعی و بازآرایی وظایف قوای سه‌گانه، یک «ضرورت وجودی» برای بقای دولت است. تفکیک قوا در این پارادایم جدید باید به گونه‌ای باشد که قوه‌ی مجریه زیرساخت «اقتدار الگوریتمی» را بنا نهد، قوه‌ی مقننه مرزهای اخلاقی آن را ترسیم کند و قوه‌ی قضائیه ضامن تحقق «مشروعیت فناورانه» از طریق عدالت الگوریتمی باشد. پیام‌نهایی این گزارش صریح است: اگر جمهوری اسلامی ایران نتواند منطق حکمرانی خود را با این دو مفهوم همگام سازد، با خطر «تهدیه شدگی معنای دولت» مواجه خواهد شد؛ لذا هزینه برای هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری برای حفظ «دولت بودگی» و «حق حاکمیت ملی» در جهان آینده است.



جدول ۴. جدول جامع خط‌مشی‌گذاری هوش مصنوعی در ایران ناظر بر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه

پیشنهادها	حوزه سیاستی	قوه حاکمیتی
سازمان ملی هوش مصنوعی برای هدایت توسعه و تدوین سیاست‌های اجرایی توسعه زیرساخت‌های داخلی و بسترهای بومی	راهبردی و اجرایی	قوه مجریه
تدبیر برای تبعیض الگوریتمی از طریق ایجاد کمیته‌های تخصصی و تدوین دستورالعمل‌های نظارتی	عدالت الگوریتمی	
اجرای برنامه‌های افزایش سواد هوش مصنوعی در میان مسئولان و مردم، شامل آموزش عمومی و تخصصی	سواد تخصصی	
ایجاد حاکمیت داده ملی و سیاست‌هایی برای مبیعت از داده‌های داخلی و کنترل جریان داده‌های فرامرزی	حکمرانی داده	قوه مقننه
تدوین اصول اساسی بهره‌برداری از هوش مصنوعی با محوریت شفافیت، پاسخ‌گویی، عدالت و امنیت ایجاد بسترهای قانونگذاری مشارکتی با حضور پژوهشگران، شهروندان و نهادهای فناورانه	تدوین اصول بنیادین	
اصلاح قوانین فعلی مانند: قانون جرایم رایانه‌ای و قانون مدیریت خدمات کشوری	اصلاح قوانین موجود	
تهیه آیین‌نامه‌های مرتبط با داده‌های شخصی و خدمات هوشمند الزام به تدوین دستورالعمل‌های اجرایی در زمینه جلوگیری از تبعیض الگوریتمی	الزام قوای اجرایی به تهیه دستورالعمل‌های اجرایی	قوه قضائیه
نظارت بر استفاده از هوش مصنوعی در فرایندهای قضایی، از جمله پیش‌بینی جرم، طبقه‌بندی پرونده‌ها و تسریع بررسی‌ها	عدالت دیجیتال	
تدوین آیین‌نامه‌های قضایی در حوزه تبعیض الگوریتمی و مسئولیت حقوقی تصمیم‌های هوشمند رسیدگی به دعاوی مربوط به نقض حریم خصوصی و سوگیری سیستمی	توانمندسازی قضات	
توانمندسازی قضات با آموزش‌های تخصصی در زمینه هوش مصنوعی، اخلاق فناوری و تحلیل داده	حمایت از نوآوری قضایی	
حمایت از کسب‌وکارهای حقوقی نوآور و پلتفرم‌های قضایی مبتنی بر هوش مصنوعی		

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

- [1] Anderson, G.L., *International Journal on World Peace*, 2006/ (1) 23.
- [2] Gerhard, W., *The Fading of the Nation State. Connections*, 2002. 1 (3): pp. 81-92.
- [3] Weber, M., *Economy and Society: An Outline of Interpretive Sociology*. 1978, Berkeley: University of California Press.
- [4] Habermas, J., *Legitimation Crisis*. 1975, Boston: Beacon Press.
- [5] Zuboff, S., *The Age of Surveillance Capitalism*. 2019, New York: PublicAffairs.
- [6] Cave, S. and V. Dignum, *Algorithms and the Future of Work: The Political Legitimacy of AI Decision-Making. Philosophy & Technology*, 2019. 32 (1): pp. 1-17.
- [7] Floridi, L., *The Ethics of Information*. 2013: Oxford University Press.
- [8] Coeckelbergh, M., *AI Ethics*, 2020.
- [9] Stahl, B., D. Schroeder, and R. Rodrigues, *The Ethics of Artificial Intelligence: An Introduction*. 2020. Pp. 1-7.
- [10] Vergerio, C., *Beyond the Nation-State*. Boston Review, 2021.
- [11] Hobbes, T., *Leviathan*. 1991, Cambridge: Cambridge University Press.
- [12] Locke, J., *Two Treatises of Government*. 1988, Cambridge: Cambridge University Press.
- [13] Weber, M., *Economy and Society*. 1978, Berkeley: University of California Press.
- [14] Arendt, H., *What is Authority?*, in *Between Past and Future: Eight Exercises in Political Thought*. 2007, Penguin Books: London. Pp. 91-141.
- [15] Mahendra, S. *Types of AI: Narrow, General, and Super AI*. 2024. November 18, 2024; Available from: <https://www.aiplusinfo.com/types-of-ai-narrow-general-and-super-ai/>.
- [16] Wheeler, K. *Prometheus: Behind Meta's Quest for Superintelligence*. 2025 July 15, 2025; Available from: <https://aimagazine.com/articles/mark-zuckerberg-reveals-100bn-meta-ai-supercluster-push>.
- [17] Sarker, I.H., *Machine Learning: Algorithms, Real-World Applications and Research Directions*. SN Computer Science, 2021. 2 (3): p. 160.
- [18] EUCPN, *Law Enforcement Has to Be Part of the Prevention Workforce: The Question Is How and Where?* 2023, EUCPN: Brussels.
- [19] Gesk, T.S. and M. Leyer, *Artificial intelligence in public services: When and why citizens accept its usage*. *Government Information Quarterly*, 2022. 39(3): p. 101704.
- [20] Sun, T.Q. and R. Medaglia, *Mapping the challenges of Artificial Intelligence in the public sector: Evidence from public healthcare*. *Government Information Quarterly*, 2019. 36 (2): p. 368-383.
- [21] Christiano, T., *Authority*, in *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Spring 2013 Edition). 2013, Stanford University.
- [22] ویژه، محمدرضا. دولت و هنجار حوزه عمومی. فصلنامه علمی دولت پژوهی، ۲۰۲۴. ۱۰ (۳۹): ص ۵۳-۸۴.
- [23] Zuboff, S., *The Age of Surveillance Capitalism: The Fight for a Human Future at the New Frontier of Power*. 2019, New York: PublicAffairs.
- [24] Rousseau, J.-J., *Du Contrat Social*. 1762, Amsterdam: Marc-Michel Rey.



- [25]Coeckelbergh, M. The Political Philosophy of AI: An Introduction.
- [26]Foucault, M. The Archaeology of Knowledge and The Discourse on Language.
- [27]Plato, Republic. Amsterdam: Marc-Michel Rey.
- [28]Rawls, J., A Theory of Justice. 1971, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- [29]Machiavelli, N., Il Principe. 1513, Florence: Antonio Blado d' Asola.
- [30]Danaher, J., Algorithmic governance: Developing a principled approach to the regulation of decision-making systems. *Regulation & Governance*, 2019. 13(1): pp. 1-17.
- [31]Dunleavy, P., et al., Digital Era Governance: IT Corporations, the State, and e-Government. 2006, Oxford: Oxford University Press.
- [32]Organisation for Economic, C.-o. and Development, Recommendation of the Council on Artificial Intelligence. 2019, OECD.
- [33]Bertot, J.C., P.T. Jaeger, and J.M. Grimes, Using ICTs to create a culture of transparency: E-government and social media as openness and anti-corruption tools for societies. *Government Information Quarterly*, 2010. 27 (3): pp. 264-271.
- [34]Balakrishnan, A., Ethical and Legal Implications of AI Judges: Balancing Efficiency and the Right to Fair Trial. 2024, Utrecht University.
- [35]Noble, S.U., Algorithms of Oppression: How Search Engines Reinforce Racism. 2018, New York: New York University Press.
- [36]Johannessen, J.-A., Robots, Automation and the Innovation Economy. 2024, London: Routledge.
- [37]Scharre, P., Army of None: Autonomous Weapons and the Future of War. 2018, New York: W. W. Norton & Company.
- [38]Autor, D., Why Are There Still So Many Jobs? The History and Future of Workplace Automation †. *Journal of Economic Perspectives*, 2015. 29. Pp. 3-30.
- [39]Klonick, K., The New Governors: The People, Rules, and Processes Governing Online Speech. *Harvard Law Review*, 2017. 130(7): pp. 1598-1670.
- [40]Kissinger, H.A., E. Schmidt, and D. Huttenlocher, The Age of AI: And Our Human Future. 2021, New York: Little, Brown and Company.
- [41]Calo, R., Artificial Intelligence Policy: A Roadmap for the Future. *Seton Hall Law Review*, 2017. 47(3): pp. 735-776.
- [42]Davenport, T.H. and R. Kalakota, The potential for artificial intelligence in healthcare. *Future Healthcare Journal*, 2019. 6(2): pp. 94-98.
- [43]Mayer-Schönberger, V. and K. Cukier, Big Data: A Revolution That Will Transform How We Live, Work, and Think. 2013, Boston: Houghton Mifflin Harcourt.
- [44]Floridi, L., Translating ethical principles into practice: A primer on the philosophy of AI ethics. *AI & Society*, 2019. 34(4): pp. 743-753.
- [45]Sassen, S., Territory, Authority, Rights: From Medieval to Global Assemblages. 2006, Princeton: Princeton University Press.



